

«ایران» از دره گردشگری دلفارد

در ۲۵ کیلومتری جیرفت کویری گزارش می دهد

یک بام و دوهوا

گزارش ها

زهرآ کشورى - دبیر گروه زیست بوم/ از نخل تا یخ که می‌گویند، همین جا است؛ دره دلفارد. فاصله‌اش از جیرفت داغ، ۲۵ دقیقه است؛ ابتدای جایی که کویر را در کرمان زیر سؤال می‌برد. نقش گرفته از آخرین یال‌های زاگرس جنوبی، جایی که درختان سردسیر و گرمسیر شانه‌به‌شانه هم رشد کرده‌اند: نخل، مرکبات و گردو. جاده چالوس استان‌های جنوب شرقی کشور؛ کرمان، هرمزان، سیستان و بلوچستان و یزد در مرکز؛ همان‌طور که استان‌های شمالی مقصد تهرانی‌ها، اصفهانی‌ها و بسیاری از شهروندان ایرانی است.

شاید بتوان گفت، دلفارد در حوزه صنعت گردشگری، کشف «هوشنگ شفيعی» است. فعال گردشگری که حدود ۲۰ سال پیش از آمریکا به دلفارد برگشت، به خانه‌ای که از مادرش به یادگار مانده بود. کاری که او کرد، کم از کشفیات تپه ۵۰۰۰ ساله کنار صندل در جیرفت ندارد. آمدن تا مهربان گردشگران باشد. آن سال‌ها تازه چشم رسانه‌ها به فضای متفاوتی از اقلیم کرمان افتاده بود؛ چشم‌ها گشاده و دهان‌ها باز کرمان، بود. مگر می‌شود در اقلیم کویری کرمان، کوهستان داشت؟ توی فضای مجازی باید خیلی جست‌وجو می‌کردی تا به عکسی از دلفارد برسی و بعد همه ارضا بزنی و بگویی: «ببینید!» بعد مخاطب زل بزند توی رنگ نقره‌ای آبشار دلفارد. همه می‌دیدند اما باور نمی‌کردند که آخرین یال‌های زاگرس با جنوب کرمان چه کرده است!

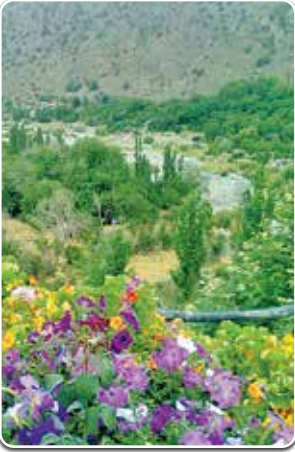
پس از ۲۰ سال

حال و پس از ۲۰ سال اما او به «ایران» می‌گوید: «اینجا تا دلت بخواهد کافه و رستوران وجود دارد.» تا پیش از آنکه او به گفت‌وگو با «ها» بنشیند، شک نداری که شفيعی در دلفارد نیست. حدس می‌زنی موانع، خستگی‌ها و بالا و پایین کردن پله‌های بوروکراسی، بالاخره دوباره او را به خانه‌اش در آمریکا برگردانده است. اما او آنجا نبود؛ در دلفارد، در رستورانی سنتی و پشت یک میز. بالای سرش عکس «مریم میرزاخانی» ریاضیدان ایرانی و استاد دانشگاه استنفورد نصب است. در واکنش به تعجبی که در میان چشم تازه‌رسیده‌ها می‌بیند، با تعجب می‌گوید: «کجا بروم؟» کجا بروم او، جوړی است که یعنی به چه حقی این سؤال را می‌پرسی؟ شفيعی نیامده است که برود؛ با آنکه گله‌مندی‌هایش از ۲۰ سال پیش هم بیشتر است، می‌گوید: «ما-ا اهل اینجا هستیم. تحمل تحقیر و توهین‌های امثال ترامپ (رئیس جمهوری آمریکا) کار من نیست.»

حرف‌هایش را هم با گله شروع می‌کند: «دلفارد منطقه نمونه گردشگری است. مناطق نمونه گردشگری باید به هم وصل باشند اما مسئولان اصلاً نمی‌دانند منطقه نمونه گردشگری یعنی چی؟ پروسه تسهیلات خیلی طول می‌کشد. مجبور شدم ملکی را که قیمت بالایی داشت به یک‌دهم قیمت بفروشم تا بتوانم اینجا را احیا کنم.»



عکس: علی محمدی دلفارد



عکس: علی محمدی ایران

ضعف اینترنت و محدودیت مسیرها، گردشگران دلفارد را فراری می دهد

کارتخوان، دست فعالان گردشگری

را در پوست گردو گذاشت

کندی و قطعی اینترنت در منطقه نمونه گردشگری دلفارد در کرمان به یکی از موانع جدی فعالیت کسب‌وکارهای گردشگری تبدیل شده است. تأسیسات گردشگری به مسافرانی که به دلفارد می‌آیند خدمات ارائه می‌دهند، اما در بسیاری از موارد به دلیل ضعف اینترنت، امکان دریافت وجه از طریق دستگاه‌های کارتخوان فراهم نیست. مسافر خدمات خود را می‌گیرد و می‌رود و صاحبان تأسیسات گردشگری می‌مانند با دخل‌های خالی و چشم‌های منتظر برای دیدن پیامک‌های واریز.

باقر پورباقری، فعال گردشگری بیش از یک دهه پیش و بعد از «هوشنگ شفيعی» در دلفارد مشغول به فعالیت خانوادگی در حوزه گردشگری می‌شود اما دست اندازه‌ها و موانع، دو برادرش را پشیمان می‌کند: خودش اما می‌ماند. پورباقری می‌گوید: «وقتی مردم دیدند گردشگری می‌تواند درآمدزا باشد، اشتیاق در جامعه محلی ایجاد شد و بوم‌گردی‌ها و مجموعه‌های بیشتری راه افتاد و هنوز هم در حال شکل‌گیری است.» اشتیاق مردم هم به معنای نبود

دست‌انداز و موانع برسر فعالیت و کسب و کار گردشگری در دلفارد نیست . پورباقری می‌گوید: «بارها پیش آمده گردشگران برای صرف ناهار یا شام به رستوران یا مجموعه گردشگری ما مراجعه کرده‌اند، اما به دلیل اختلال اینترنت، امکان وصول هزینه وجود نداشته است. حتی گردشگرانی بوده‌اند که چند سال پیش خدمات گرفته‌اند و هنوز هزینه آن را پرداخت نکرده‌اند. این وضعیت موجب ناامیدی فعالان گردشگری و حتی



عکس: علی محمدی ایران

کمبود نیرو

او کمبود نیروی کار را یکی از مشکلات «دلفارد» می‌داند و می‌گوید: «در حال حاضر حتی کمیته امداد هم برای اشتغال، نیروی کار به مجموعه‌های گردشگری معرفی می‌کند. اما اولین سؤالشان درباره میزان حقوق است. شما چنین کسانی را استخدام می‌کنید؟» او می‌گوید: «حقوق تمام کسانی که اینجا کار می‌کنند، برابر حداقل حقوق اداره کار است. همه هم جیرفتی هستند؛ فقط آشنیز از تبریز آورده‌ام.»

قیمت خدماتش نسبت به سایر مراکز اقامتی و پذیرایی در دلفارد بیشتر است. می‌گوید که الان دیگر آن عذاب وجدان را ندارد که خدماتش به تمام طبقات نرسد، چون تا دلت بخواهد کافه و رستوران وجود دارد.

ایجاد اشتغال

او می‌گوید: «همین الان، با اینکه پروژه هنوز کامل نشده، ۱۴ یا ۱۵ نفر مشغول به کار هستند. تا پایان این فاز، یعنی احیای کامل مجموعه، این تعداد بیشتر هم می‌شود.» او قصد دارد در طرف دیگر دره دلفارد، بومگردی‌ها را گسترش دهد و آن‌طور که کمال‌الدین ضیاء‌کمالی، مدیر اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی جیرفت می‌گوید، دهکده سلامت در دلفارد راه بیندازد.

کاری که ۲۰ سال پیش شفيعی شروع کرد، باعث شد تا امروز ارزش زمین بسیار افزایش یابد. او می‌گوید: «حتی از مرکز شهر جیرفت هم گران‌تر است. اشتغال غیرمستقیم برای تقریباً ۵۰۰ نفر ایجاد شده، مهاجرت معکوس شکل گرفته و این روند همچنان ادامه دارد. فعالیت‌هایی مثل اسب‌سواری راه افتاده و بعضی محصولات خاص منطقه معروف شده‌اند؛ محصولاتی که قبلاً کسی نمی‌شناخت، مثل انار و پرتقال دلفارد.» شفيعی می‌گوید: «انار ساوه که به دلفارد می‌رسد، ۱۰۰ هزار تومان فروخته می‌شود، اما انار دلفارد ۲۵۰ هزار تومان قیمت دارد. این موضوع برای مردم اهمیت زیادی دارد. مهاجرت معکوس به دلیل کسب درآمد شکل گرفته، اما خشکسالی همچنان آسیب خود را می‌زند.»

بنته شفيعی بی‌آبی دلفارد را واقعی نمی‌داند و می‌گوید: «واقعیت این است که اگر این دره درست مدیریت شود، هنوز به آن معنای واقعی دچار خشکسالی نشده‌ایم. مشکل اصلی ما مدیریت آب است، نه نبود آب.»

او درباره مدیریت آب می‌گوید: «خانه‌سازی‌ها باید متمرکز باشد و هر کسی آزاد نباشد که چاه دستشویی یا سپتیک جدا بسازد. این کار منابع آب را تهدید می‌کند. خوشبختانه ما در ارتفاع هستیم و آب منطقه هنوز پاک است. آب

ضیاء‌کمالی

تبلیغات

رسانه‌ای را

کلید جذب

گردشگران

به منطقه

می‌داند

و معتقد

است که

استان‌های

هرمزگان،

کرمان،

سیستان و

بلوچستان

و یزد باید

یک برنامه

هماهنگ

برای جذب

گردشگران

هوشنگ

شفيعی

حمل‌ونقل

رایک مشکل

قدیمی

می‌داند و

می‌گوید:

چرا هنوز

جیرفت

پروازهای

منظم‌روزانه

ندارد؟ ما

هیچ توقع

غیرمنطقی

نداریم. فقط

می‌گوییم

حداقل

زیرساخت‌ها

را فعال کنند

تا ما به چهار

تا از شهرهای

ایران و دو تا

از کشورهای

حاشیه

خلیج فارس

رفت‌وآمد

داشته باشیم



حضور دارد که شرایط را کنترل کند؟ نیاز است تعداد نیروها و تجهیزات افزایش پیدا کنند، باند دوم جاده درست شود و دوربین‌های کنترل جاده و امکانات ترافیکی توسعه یابند، مخصوصاً که ماشین‌های گردشگران روزه‌روز بیشتر می‌شوند .

شفيعی ادامه می‌دهد: «وقتی کارم را شروع کردم، حدود چهار ماشین در دقیقه رفت‌وآمد می‌کرد، اما اکنون در تعطیلات طولانی مثل نوروز این عدد به ۶۰ تا ۷۰ ماشین رسیده و گاهی مجبور به یک‌طرفه کردن جاده‌ها می‌شوند. تصادفات افزایش یافته و نیروی انتظامی نیاز به کنترل بهتر دارد. با مستقل شدن جنوب کرمان، پاسگاه‌ها و گشت‌ها افزایش یافته و امنیت گردشگران بهتر تأمین می‌شود.»

فقدان پرواز منظم

شفيعی ضعف حمل‌ونقل را یک مشکل قدیمی می‌داند و می‌گوید: «سؤال این است که چرا هنوز جیرفت پروازهای منظم روزانه ندارد؟ ما هیچ توقع غیرمنطقی نداریم. فقط می‌گوییم حداقل زیرساخت‌ها را فعال کنند تا ما به چهار تا از شهرهای ایران و دو تا از کشورهای حاشیه خلیج فارس رفت‌وآمد داشته باشیم. ببینید من چقدر سرمایه‌گذار به اینجا می‌آورم. سال گذشته سرمایه‌گذاری ایرانی که مقیم نبود، به اینجا آمد. قصد داشت حدود ۳۰۰ میلیارد تومان سرمایه وارد منطقه کند. تنها مشکلیش این بود که کسی نبود پاسخ او را بدهد. فرمانداری و دستگاه‌های مربوطه باید فردی مشخص برای جذب سرمایه‌گذار داشته باشند؛ حتی اگر شده با یک فتنان چای، با احترام، با یک وعده قابل پیگیری. اینها شوخی نیست؛ سرمایه‌گذار قرار می‌کند.»

باید به‌درستی تقسیم و آبیاری مدرن انجام شود تا این دره سرپا و زیبا بماند. «این فعال گردشگری می‌گوید: «من الان ۲ تا سپتیک دارم، ۲۰۰ متر مکعب حجم آن است و باید با هزینه خودم آنها را تخلیه کنم.»

او می‌گوید قصد دارد کوه روبه‌رو(دلفارد دره است) را با استفاده از آب تصفیه شده فاضلاب آباد کند؛ «حداقل در یک مقیاس کوچک یک الگو برای تمام دلفارد می‌شویم.»

جان‌پناه

شفيعی دلفارد را جان‌پناه می‌داند و می‌گوید: «ما نزدیک مناطق بسیار گرمی چون جیرفت، بم، بلوچستان و کرمان هستیم. کوه‌های اطراف دلفارد را نمی‌توان در این مناطق پیدا کرد. در جیرفت باد «هوشا» داریم، هوا از ۹ صبح تا ساعت سه و چهار بعد از ظهر قابل تحمل است، اما اگر در زمان وزش باد هوشا کسی بیرون برود، انکار توی گوش او چک می‌خورد، روی زمین دراز می‌افتد و غش می‌کند.»

او دلفارد، دهکبری، اسفندقه و جبال بارز را پناهگاه مردم در شرایط سخت، گرم‌زدگی یا کمبود غذا معرفی می‌کند و می‌گوید: «نزدیک‌ترین آنها دلفارد است؛ ۲۵ دقیقه با جیرفت فاصله دارد. اختلاف دمای دلفارد با مرکز شهر جیرفت حدود ۱۴ درجه است. برای همین دلفارد جان‌پناه است.»

نظارت قانون

او دلفارد را یک دره امن معرفی می‌کند، اما اعتقاد دارد قانون باید نظارت بیشتری داشته باشد و می‌گوید: «ما در دلفارد یک پاسگاه داریم. او حدود ۴۰ سال است که قرار است جنوب کرمان به استان تبدیل شود و ۶۰ سال است که فقط یک پاسگاه دارد. مگر چند نیرو در این پاسگاه می‌آیند، اما ضعف اینترنت باعث شد نوان از ظرفیت کامل این منطقه برای جذب مسافر استفاده کرد.»

می‌آمدند، اما ضعف اینترنت باعث شد نوان از ظرفیت کامل این منطقه برای جذب مسافر استفاده کرد.»

لژوم هماهنگ شدن چهار استان

ضیاء‌کمالی تبلیغات رسانه‌ای را کلید جذب گردشگران به منطقه می‌داند و معتقد است که استان‌های هرمزگان، کرمان، سیستان و بلوچستان و یزد باید یک برنامه هماهنگ برای جذب گردشگران اجرا کنند. به گفته او، گردشگرانی می‌توانند در گرمای تابستان از یزد، هرمزان و سیستان و بلوچستان به کرمان سفر کنند و سپس در فصل سرما، از کرمان به استان‌های گرم‌تر بروند، زیرا در این فصل، گردشگری در استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان رونق بیشتری دارد و بازدید از کرمان کاهش می‌یابد. او به تبلیغات محیطی باقر پورباقری در جیرفت درباره دلفارد اشاره می‌کند و می‌گوید: «او با ۲۲ بلیورد تبلیغاتی، دلفارد را در سطح شهر جیرفت معرفی کرد که خیلی تأثیرگذار بود.» ضیاء‌کمالی درباره اهمیت تبلیغات گردشگری، باید تبلیغات هدفمند و پیوسته داشته باشیم. بهترین روش تبلیغ، استفاده از ابزارهای تصویری و رسانه‌ای است. اگر بخواهیم گردشگری به یک صنعت پایدار تبدیل شود، می‌توانیم از کلیپ‌ها و محتوای جذاب برای معرفی جاذبه‌ها استفاده کنیم. حتی پخش روزانه دو دقیقه کلیپ‌های گردشگری در شبکه‌های استانی، استان‌های کرمان، سیستان و بلوچستان، هرمزگان و یزد می‌تواند تأثیر قابل توجهی در جذب مسافر در این استان داشته باشد.»

تطبیلی برخی واحدها شده است. مسافران خدمات می‌گیرند و می‌روند؛ برخی پس از رسیدن به مقصد خود پرداخت می‌کنند، اما برخی هرگز این کار را انجام نمی‌دهند و مبلغی که باید به کارکنان برسد از دست می‌رود.»

اینترنت

گردشگر را ماندگار می‌کند کمال‌الدین ضیاء‌کمالی، مدیر اداره میراث فرهنگی و صنایع دستی جیرفت، قطعی و کندی اینترنت را فقط مشکل صاحبان کسب‌وکار نمی‌داند و می‌گوید: «امروزه همه به اینترنت نیاز دارند، در بویژه نسل جوان و خانواده‌ها. ضعف اینترنت باعث می‌شود گردشگران خیلی زود خسته شوند و منطقه را ترک کنند. این موضوع برای گردشگران خارجی اهمیت بیشتری دارد، زیرا ارتباطات و خدمات آنها کاملاً وابسته به اینترنت است.» او مثال می‌زند: «یک خانواده به دلفارد می‌آید و قصد دارد دو شب اقامت کند، اما وقتی با همان یکی دو ساعت اول پشیمان شده و منطقه را ترک می‌کند؛ بویژه نسل جوان که علاقه دارد سفر خود را به‌صورت زنده و آنلاین در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک بگذارد.» ضیاء‌کمالی، نیاز فوری منطقه به ایجاد دکل اینترنت و تأمین منابع مالی لازم برای زیرساخت‌ها را یادآور می‌شود و درباره ظرفیت گردشگری تابستان اضافه می‌کند: «در گذشته، برخی گردشگران از استان‌های گرمسیر، بویژه بندرعباس به دلفارد

جاده دسترسی

ضیاء‌کمالی دلفارد را به‌عنوان روستای هدف گردشگری معرفی می‌کند و می‌گوید: «وقتی یک منطقه را نمونه گردشگر معرفی می‌کنیم، باید زیرساخت‌های گردشگری مناسبی داشته باشد.» او یکی از مشکلات مسیرهای گردشگری دلفارد را محدودیت تردد اتوبوس‌های گروهی می‌داند و توضیح می‌دهد: «تورهای گروهی اتوبوسی که به این منطقه می‌آیند، با ممنوعیت تردد اتوبوس مواجه هستند. ما در حال پیگیری هستیم تا این ممنوعیت برداشته شود؛ یعنی با تابلو مشخص شود که اتوبوس گردشگری می‌تواند از مسیر عبور کند.» این مسئول درباره چرایی این ممنوعیت می‌گوید: «سال‌ها پیش، یک اتوبوس قدیمی در این مسیر دچار حادثه شد و چند نفر کشته شدند. پس از آن، مسیر برای اتوبوس ممنوع اعلام شد.» ضیاء‌کمالی درباره استفاده از ون یا خودروهای کوچک برای جابه‌جایی مسافر نیز توضیح می‌دهد: «مثلاً یک تور از یزد می‌آید و پس از بازدید از جیرفت قصد دارد به دلفارد بیاید، اما با تابلوی «ورود اتوبوس ممنوع» مواجه می‌شود. در این شرایط باید با میراث فرهنگی هماهنگ شود. اگر هماهنگی انجام شود، هر طور شده، مجوز ورود صادر می‌کنیم.»

او اضافه می‌کند: «قبلاً خردمان با اتوبوس می‌آمد، اتوبوس‌ها را اسکورت می‌کردیم و به مقصد می‌رساندیم، اما اکنون در بازارهای هدف جا افتاده است که اینجا اتوبوس نمی‌آید. حتی دفاتر گردشگری که از کرمان به جیرفت می‌آیند، دیگر برای دلفارد تور تعریف

پروازها گران تمام می‌شود

ضیاء‌کمالی به گران بودن بلیت پرواز از کرمان به شهرهای مختلف در مقایسه با بلیت تهران به همان مقاصد در زمان مشابه اشاره می‌کند و می‌گوید: «بلیت کرمان در همان زمان، نسبت به بلیت تهران به یک شهر دیگر گران‌تر است. تلاش‌ها برای حل این مشکل تاکنون نتیجه‌ای نداشته است و ما دلیل این اختلاف قیمت را درک نکرده‌ایم. سوآلی است که همچنان در ذهن ما باقی مانده است: ایران‌لین متعلق به استان کرمان است، پس چرا باید بلیت آن گران‌تر از سایر ایران‌لین‌ها باشد؟ در حالی که بلیت باید ارزان‌تر باشد، زیرا می‌تواند نقش مهمی در جذب گردشگر به کرمان ایفا کند.»